

ناگفته‌های امتیاز داری

چکیده:

واگذاری امتیاز نفت داری از سوی مظفرالدین شاه قاجار به ویلیام ناکس داری در سال ۱۹۰۱م. نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران است؛ چرا که ورود نفت به عرصه اقتصادی کشور پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیار داشت. جنبش ملی نفت ایران با ابعادی وسیع‌تر از مناقشه اتمی ایران با امپریالیسم جهانی در حال حاضر از پیامدهای سیاسی - اجتماعی امتیازی بود که حق ملی را به بیگانه واگذار کرده بود. تحکیم و تثبیت اقتدار و نفوذ انگلیس در ایران، کوشش انگلیس برای تجزیه خوزستان از ایران، برتری نیروی دریایی انگلیس در جنگ جهانی دوم با استفاده از نفت ایران از دیگر پیامدهای واگذاری این امتیاز بود. در اثر حاضر، ناگفته‌هایی از پشت پرده واگذاری امتیاز نفت داری و کوشش دولت انگلیس برای به چنگ آوردن این امتیاز بررسی می‌شود.

کلید واژه: نفت، امتیاز داری، انگلیس.

«دولت‌های اروپا کار را به جایی رسانیده‌اند که بدون مواجه شدن با اعتراض ملت‌های خود از ملت ایران، صرفاً به جرم اینکه یک ملت شرقی است، حق زیستن را سلب می‌کنند. این بربر صفتی جدید اروپایی دیگر دبری است فراموش کرده است که تا چه پایه اروپا مدیون ایران است. از آن هنگام که متفکران مورد تعقیب و تعذیب روم و بیزانس نزد خسرو کبیر ایران پناه می‌یافتند تا روزگاری که گوته در مکتب حافظ و سعدی جوانی از سرگرفت و نیچه [و] فیتر جرال از آثار عمر خیام تازه زندگانی را جستجو می‌کرده است [اند].»

جرج بوندس

مقدمه

نامه ۲۵ مهر ۱۳۱۹ سفارت ایران در روم، به وزارت امور خارجه درباره فرستادن ترجمه مقاله نفت ایران منتشر شده در روزنامه لاکوییر این ناپولی^۱ در ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۰ در واقع سندی را در اختیار وزارت امور خارجه ایران قرار می‌دهد که حاوی اطلاعات بسیار مهم و ناگفته‌ای درباره پشت پرده‌های امتیاز نفت داری است و بررسی این مقاله برای پژوهشگران مسائل تاریخ معاصر ایران بسیار اهمیت دارد.

امتیاز داری، امتیاز ننگینی بود که ایران را وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود، یعنی مرحله استبداد نفتی کرد. امتیازی که حضور انگلیس را در ایران تحکیم و تثبیت کرد و سرمنشاء فساد سیاسی و اقتصادی بسیاری در این آب و خاک شد. امتیاز داری موجب رنگ باختن اهمیت هندوستان در مقابل اهمیت نفت ایران شد و این نه نویدی برای ایران بلکه بیانگر شروع دوران تیره‌بختی ایرانیان به سبب قربانی شدن در پای خواسته‌های امپریالیستی انگلیس بود.

نفت ایران سبب تغییر سیستم گردش خون ناوگان جنگی انگلیس از زغال سنگ به نفت شد و در کنار موقعیت ژئوپلیتیک ایران که آن هم با اشغال نظامی این کشور در خدمت متفقین در آمد، عامل دیگری برای پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم شد. مقاله نفت ایرانی (سند حاضر) نکته‌های مهمی را درباره چگونگی کوشش انگلیس برای چنگ‌اندازی بر این سرمایه ملی، افشا می‌کند. پیش از معرفی این سند بیان توضیحاتی از منابع دیگر درباره امتیاز داری ضروری است.

واگذاری امتیاز داری

ژاک دمورگان^{**}، باستان‌شناس فرانسوی و ادوارد کوت^{***} که زمانی نماینده رویتزر در ایران بود، بارها در جنوب ایران با چشمه‌های جوشان نفت روبه‌رو شده بودند. ادوارد کوت و یک ارمنی بازنشسته گمرک ایران به نام آنتوان کتابچی‌خان (رئیس هیئت نمایندگی ایران در نمایشگاه سال ۱۹۰۰ م. پاریس) با سرهزنی دروموند ولف^{****} درباره یک امتیاز نفتی پرسود، در پاریس مذاکره کردند و با پیشنهاد پورسانتی سنگین موفق شدند نظر وی را جلب کنند؛ دروموند ولف، داری را به عنوان مشتری خرید امتیاز نفت پیشنهاد کرد (زابت، ۱۳۶۴، ص ۲۱۹).

داری که بود؟ ویلیام ناکس داری^{*****} در جوانی با مسافرت به استرالیا از راه اکتشاف و بهره‌برداری از معدنهای طلا به جرگه سرمایه‌داران پیوسته بود، اما از اشراف لندن به شمار نمی‌رفت. داری که در این زمان در لندن بود به دنبال پیشنهاد دروموند ولف پیش از اقدام برای گرفتن امتیاز، دو نفر مهندس زمین‌شناس به نامهای برلز و دالتون را برای مطالعه و اثبات وجود نفت به ایران فرستاد. داری پس از دریافت گزارش زمین‌شناسان مزبور مبتنی بر تأیید ذخایر نفت در ایران، مستر آلفرد ماریوت را به نمایندگی از طرف خود همراه ادوارد کوت و کتابچی‌خان برای دریافت امتیاز نفت به تهران فرستاد (ذوقی، ۱۳۷۴، ص ۶۱).

سر آرتور هاردینگ^{*****} وزیر مختار انگلیس در تهران که وظیفه اصلی دریافت امتیاز نفت را از مظفرالدین شاه قاجار برعهده گرفت، در کتاب خود موسوم به یک دیپلمات در شرق به شرح واقعه می‌پردازد و به دست آوردن امتیاز زمینهای نفت‌خیز جنوب ایران را برای یک شرکت انگلیسی به عنوان نخستین مأموریت مهم خود پس از ورود به تهران بیان می‌کند:

«در این موقع که من تازه به تهران رسیده بودم، سردروموند ولف کاغذی به من نوشت [و] مستر ماریوت را به من معرفی کرد و نوشته بود مستر ماریوت موضوع را برای من شرح خواهد داد، موضوع تحصیل امتیاز معادن نفت بود. وقتی که ماریوت مقصود خود را بیان کرد، دیدم موضوع مهم است و

* Jacques de Morgan

** Edouard Cotte

*** Sir Henrey Drumond Wolf وزیرمختار انگلیس در تهران از دسامبر سال ۱۸۸۷ تا اواسط سال ۱۸۹۱.

**** M.W.K. Darcy

***** Sir Arthur Hardinge

ارزش آن را دارد که من اقدام کنم. برای اینکه رضایت خاطر اولیای ایران نیز جلب شود لازم شد سهامی هم از آن معادن نفت که تصور می‌شد در زمینهای غربی ایران پیدا شود به اشخاص ذی نفوذ داد حتی شخص صدراعظم ایران. من در این کار وارد عمل شدم و صدراعظم ایران را ملاقات کرده موضوع را در میان نهادم و اصرار کردم این امتیاز را برای یک مؤسسه انگلیسی به دست آورم. تقاضای من این بود، امتیاز انحصاری و بلامانع را برای استخراج نفت در تمام اراضی ایران به استثنای ایالات شمالی که مجاور سرحدات روسیه است...» (محمود، ۱۳۶۷، ص ۲۵۲).

میرزا علی اصغر خان اتابک، صدراعظم ایران، در پاسخ به درخواست هاردینگ از وی خواست در نامه‌ای به زبان فارسی درخواست امتیاز را فوری مطرح کند. اتابک با اطلاع از ناآگاهی وزیرمختار روسیه، مسیو آرگیرو پولو، از خط فارسی و مرخصی بودن مسیو استریتر، منشی شرقی سفارت که به خواندن فارسی مسلط بود، فرصت را غنیمت شمرد و با ابلاغ این نامه به سفارت و معطل ماندن آن تا بازگشت منشی سفارت، مخالفت روسیه با امتیاز درخواستی انگلیس را خنثی کرد (همان، ص ۲۵۳).

هاردینگ به وزارت امور خارجه انگلیس نوشت:

«در صورتی که رویاهای امتیاز گیرندگان منتهی به واقعیت گردد و نفت به میزانی که در باکو وجود دارد کشف شود، این امتیاز دارای ارزش اقتصادی و سیاسی فراوانی خواهد گردید.» (رایت، ۱۳۶۴، ص ۲۲۰).
با کوششهای هاردینگ و ماریوت در تهران و همکاری میرزا علی اصغر خان اتابک، امتیازنامه داری در تاریخ ۲۱ مه ۱۹۲۱ (۱۳۱۹ ق / ۱۲۷۹ ش) به امضای مظفرالدین شاه قاجار رسید.

خلاصه امتیازنامه

بحث درباره امتیاز داری بدون اشاره به مواد آن منطقی نیست، از سویی آوردن متن کامل امتیازنامه هم در این مختصر مقدور نیست، پس برای آگاهی از موضوعهای مطرح شده در متن به ارائه چکیده‌ای از آن بسنده می‌شود:

فصل اول: واگذاری امتیاز انحصاری اکتشاف، بهره‌برداری، توسعه، تجارت، حمل و نقل و

فروش نفت، گاز و قیر طبیعی در سراسر خاک ایران به ویلیام ناکس داری برای مدت ۶۰ سال. فصل دوم: اجازه لوله‌کشی لازم از سرچشمه‌های نفتی تا خلیج فارس و شعبه‌های توزیع نفت. فصل سوم: بیان چگونگی نحوه همکاری دولت ایران در تأمین زمینهای مورد نیاز صاحب امتیاز برای انجام عملیات نفتی.

فصل چهارم: درباره واگذاری معادن فعال نفتی شوشتر، قصرشیرین و بندر دالکی بوشهر به صاحب امتیاز، مشروط بر آنکه مبلغ دو هزار تومان مالیات دیوانی سالیانه معادن فعال مزبور را که دولت دریافت می‌کند (علاوه بر ۱۶٪، مورد تعهد صاحب امتیاز)، همچنان به دولت ایران پرداخت شود.

فصل پنجم: درباره طراحی و احداث لوله‌ها به دست مهندسان صاحب امتیاز.

فصل ششم: استثناء ولایات آذربایجان، گیلان، مازندران، خراسان و استرآباد از شمول منطقه امتیاز.

فصل هفتم: درباره معافیت مالیاتی و عوارض و حقوق گمرکی در اراضی تحت عملیات نفتی در طول برقراری امتیاز (۶۰ سال).

فصل هشتم: درباره اجازه صاحب امتیاز برای عملیات اکتشافی در مناطق نفتی احتمالی.

فصل نهم: به اجازه صاحب امتیاز برای تأسیس شرکتهای نفتی زیر مجموعه خود می‌پردازد.

فصل دهم: تعهد مالی شرکت استخراج، نسبت به دولت ایران مبنی بر پرداخت ۲۰ هزار لیبره نقدی و ارائه ۲۰ هزار لیبره سهام، یک ماه پس از تأسیس و پرداخت ۱۶ درصد از سود سالیانه.

فصل یازدهم: نظارت کمیسر ویژه دولت ایران بر حسابهای مالی شرکتهای صاحب امتیاز برای حفظ حقوق دولت شاهنشاهی و پرداخت حقوق وی از سوی صاحب امتیاز.

فصل دوازدهم: تأکید بر به کارگیری کارگران ایرانی در تأسیسات نفتی.

فصل سیزدهم: درباره واگذاری نفت رایگان از سوی صاحب امتیاز به اهالی محلی به میزانی که در گذشته بهره‌برداری می‌کردند.

فصل چهاردهم: توضیحاتی در مورد تعهد امنیتی دولت ایران در قبال شرکت نفت.

فصل پانزدهم: درباره واگذاری ابزار و تأسیسات نفتی به دولت ایران پس از انقضای مدت امتیاز.

فصل شانزدهم: اشاره به فسخ امتیاز در صورت راه‌اندازی نشدن شرکت پیش‌بینی شده در فصل هشتم از سوی صاحب امتیاز.

فصل هفدهم: بررسی مراجع حل اختلاف طرفین معاهده در صورت بروز اختلاف با تأکید بر لزوم حل و فصل مسئله در تهران.

فصل هجدهم: توضیحاتی پیرامون نگارش متن امتیاز در دو نسخه به فرانسه و فارسی و اولویت متن فرانسوی در صورت اختلاف در متن یا مضمون (نسائی، ۱۳۵۷، ص ۶۵۹).

امضاکنندگان و تصدیق‌کنندگان قرارداد، آلفرد ماریوت (ماریوتون)، وکیل داری، ژرژ گراهام، نایب کنسول انگلیس در تهران، از یک سو و مظفرالدین شاه قاجار، میرزا علی‌اصغر خان اتابک، صدراعظم و مشیرالدوله، وزیر امور خارجه از سوی دیگر بوده‌اند (راهنما و مشخصات معاهدات دوجانبه ایران...، ۱۳۷۰، ص ۱۵۹).

فعالیت داری پس از دریافت امتیازنامه

مهندسان حفاری داری، موفق شدند در ناحیه چاه سرخ قصر شیرین به نفت برسند، اما به دلیل اقتصادی نبودن استخراج چاه مزبور از بهره‌برداری آن صرف‌نظر کردند و به ادامه اکتشاف در جنوب ایران پرداختند. داری در سال ۱۹۰۳ م. شرکت بهره‌برداری اولیه* را تأسیس و افزون بر پرداخت تعهدات مالی خود به دولت ایران، مطابق فصل دهم امتیازنامه، هدیه‌هایی به شاه و درباریان تقدیم کرد. وی ۳۰ هزار سهم به مظفرالدین شاه، ۱۰ هزار سهم به اتابک، ۵ هزار سهم به میرزا حسین خان مشیرالدوله، وزیر امور خارجه و ۵ هزار سهم به نظام‌الدین مهندس الممالک، وزیر معادن هدیه داد (ذوقی، ۱۳۷۵، ص ۶۷).

داری برای دریافت کمک مالی بیشتر در ۱۹۰۵ م. با مشارکت شرکت نفت برمه و لرد استراتکوتا** یکی از سرمایه‌داران انگلیسی، شرکتی به نام سندیکای امتیازات*** تأسیس کرد که عملیات این شرکت نیز ناکام ماند (نصر، ۱۳۶۳، ص ۳۷۲). داری پیش از تأسیس سندیکای

* First Exploitation Company

* Strathcona

** Concession Syndicate

امتیازات به قدری ناامید شده بود که به دنبال فروش امتیاز نفت بود، اما پس از انتخاب دریاسالار لرد فیشر به فرماندهی نیروی دریایی انگلیس و طرح نامبرده برای تبدیل سوخت نیروی دریایی انگلیس از زغال سنگ به نفت موقعیت عوض شد. لرد فیشر به یاری داری شتافت و در واقع از واسطه‌های تشکیل شرکت سندیکای امتیازات بود؛ زیرا قوانین انگلیس، دولت را از شرکت در امور بازرگانی منع کرده بود و با تشکیل این شرکت، امتیاز همچنان در دست انگلیسیها باقی می‌ماند (ذوقی، ۱۳۷۵، ص ۶۷).

کوششهای شرکت جدید پیش از دست کشیدن از ادامه عملیات نتیجه داد و با فووان چاهی در مسجد سلیمان در ۲۶ مه ۱۹۰۸ / ۵ خرداد ۱۲۸۷ اوضاع تغییر کرد تا جایی که شرکت سندیکای امتیازات در سال ۱۹۰۹ م. به شرکت نفت ایران و انگلیس تبدیل شد (نصر، ۱۳۶۳، ص ۳۷۳).

شرکت نفت ایران و انگلیس سرمنشاء فساد و دخالت در کارهای سیاسی و اجتماعی ایران شد و به اعتراض و نارضایتی ایرانیان دامن زد تا جایی که سردیس رایت* که در سالهای مبارزه ملت ایران برای ملی کردن نفت، به عنوان کاردار انگلیس در تهران و ده سال بعد با سمت وزیرمختار انگلیس در ایران حضور داشت، در شرح کارهای تحریک‌آمیز شرکت نفت ایران و انگلیس و اعتراض ایرانیان به آن نوشت:

«هر چه زمان می‌گذشت و کمپانی از رونق بیشتری برخوردار شده و به پیشرفتهای زیادی می‌رسید، قضیه از دیدگاه میهن‌پرستان ایرانی صورت دیگری پیدا می‌کرد آنها می‌اندیشیدند که کمپانی نفت ایران و انگلیس یک مؤسسه ممتاز خارجی و دور از اراده ملی آنهاست. آنها مشاهده می‌کردند که کمپانی نفت انگلیس و ایران مسائل و مشکلات خود را مستقیماً با خوانین و مشایخ محلی حل و فصل می‌کند و با دولت ایران سرناسازگاری دارد. آنها این نکته را که انگلیسی‌ها اداره‌کننده امور فنی کمپانی هستند در نظر داشتند. بعضی مواقع برداشت آنها از معافیت‌های گمرکی مندرج در امتیازنامه که مورد اعتراضشان قرار می‌گرفت موجه نمی‌نمود. یکی از موارد اعتراض آنها ورود تعداد زیادی کارگر هندی بود. در صورتی که در

امتیازنامه مذکور بود که در امور غیرنفتی فقط می‌بایستی از ایرانیان استفاده شود. آنها همچنین روش محاسبه سود شرکت را مورد اعتراض قرار می‌دادند چرا که در این محاسبه که ۱۶ درصد سود آن به دولت ایران داده می‌شد درصد خیلی زیادتری روانه خزانة انگلستان و جیب سهامداران انگلیسی می‌شد. ایرانیان از اشغال میادین نفتی و پالایشگاه آبادان توسط هندی‌ها در طول جنگ و خودداری کمپانی از پرداخت بهای نفتی که ناوگان پادشاهی انگلستان بارگیری کرده بود اظهار نارضایتی می‌نمودند. از دیدگاه ایرانیان انگشت شماری که در این ماجراها منافع داشتند دعاوی و پاسخ آنها در سال ۱۹۲۰ کاملاً غیرقابل قبول تلقی می‌گردید.

علیرغم همه اینها، در آن روزگار اثری از حوادثی که در آینده شرکت با آنها مواجه گردید مشاهده نمی‌شد. منتظران انگلیسی به سبب ماهیت حرفه‌ای تخصص خود و دورافتادن آنها از بقیه نقاط مملکت، کمتر به آنچه که در سایر نقاط می‌گذشت توجه داشتند. ایرانیان نیز شخصاً کمتر به خوزستان می‌اندیشیدند و همین‌طور کمتر نگران شیخ خزئل و خوانین بختیاری بودند. کمپانی نفت انگلیس و ایران به مرور زمان تبدیل به یک دستگاه خود مختار گردید که دارای نفوذ در مجاری قانونی کشور بود و به جای خود مورد انتقاد میهن‌پرستان و سیاسیون ایران قرار می‌گرفت» (رایت، ۱۳۶۴، ص ۲۲۳-۴).

معرفی اسناد

اسناد حاضر شامل هفده برگ سند از سال ۱۳۱۹ ش. است که از مسائل مربوط به شرکت نفت ایران و انگلیس، وقایع پشت پرده امتیاز داری و به‌ویژه سیاست نفتی انگلیس در ایران شرح جالبی ارائه می‌دهد. اهمیت اسناد حاضر در بیان اطلاعاتی است که تا به حال در هیچ کتاب یا مقاله‌ای منتشر نشده است. سند شماره (۱) از این مجموعه سند نامه ۲۵ مهر ۱۳۱۹ سفارت شاهنشاهی ایران در رم به وزارت امور خارجه است که در واقع نامه ابلاغ ترجمه مقاله مندرج در روزنامه لاکورییر این ناپولی منتشر شده در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۰ است.^(۱)

سند شماره (۲) ترجمه این مقاله به دست دکتر محمد احتشام در سیزده برگ است که صفحه نخست آن در توصیف اهمیت موقعیت نفتی ایران است.^(۲)

سند شماره (۲) در صفحه دوم ضمن اشاره به اهمیت نفت برای انگلیس، وضعیت شرکت نفت ایران و انگلیس را در ایران تشریح می‌کند:

«یک مؤسسه وسیع اقتصادی مقتدر که آلت مطلق سیاست انگلیس است: شرکت نفت انگلیس و ایران که محصولات نفت کشور را کنترل می‌نماید در ایران تسلط یافته است. این شرکت با قوانین و رؤسا و آیین نامه مخصوص به خود دولتی را در دولت تشکیل می‌دهد.»^(۳)

سومین صفحه ترجمه مقاله، از ناصرالدین شاه قاجار به عنوان واگذارکننده امتیاز یاد می‌کند که در واقع نویسنده مقاله اشتباه کرده است؛ چرا که واگذار کننده امتیاز، مظفرالدین شاه قاجار بوده است نه ناصرالدین شاه.^(۴)

مقاله نفت ایرانی در صفحه چهار اشتباه دیگری دارد و مدت قرارداد را پنجاه سال بیان می‌کند در صورتی که مدت قرارداد شصت سال بوده است.

صفحه چهارم اسناد حاضر به آگاهی اینتلیجنس سرویس انگلیس از امتیاز داری اشاره می‌کند.^(۵)

صفحه پنج درباره کوشش برای به دست آوردن این امتیاز است. این قسمت بخشی از اطلاعاتی است که نگارنده این اثر در جایی ندیده و نخوانده است و بررسی آنها برای پژوهشگران و علاقه‌مندان مباحث تاریخی می‌تواند مفید باشد:

«سه مرتبه در کشتی به طور اسرارآمیزی به اطاق او دستبرد زدند. اما موفق به ربودن سند نشدند. به کرات وجوه هنگفتی به کانادایی پیشنهاد شد و همه را رد نمود بالاخره یک کشیش انگلیسی موسوم به اسپرینگ فیلد* با داری وارد صحبت‌های مذهبی از قبیل تمدن مذهب عیسوی و بت پرستی ایرانی شده او را به فکر انداخت که برای تبلیغات و انتشار مذهب عیسوی بین ملتهای گمراه از امتیاز معروف استفاده نماید. داری تحت تأثیر کشیش (که در واقع عامل اداره استخبارات سیاسی انگلیس بود) واقع شد سند را به منظور پیشرفت امور مذهبی به او واگذار نمود و حتم داشت که مرتکب عمل خیری شده است.»^(۶)

صفحه ششم از سند شماره (۲) به پیروزی انگلیس در به ارث بردن امتیاز داری پرداخته

است و به کوششهای آن کشور برای تثبیت موقعیت نفتی خود در ایران از جمله با تأسیس شرکت نفت ایران و انگلیس در سال ۱۹۱۹م. اشاره می‌کند:

«انگلیس کنترل کامل عملیات و اکثریت سهام شرکت را برای خود تأمین نمود. کلاهبرداری مهم به خوبی و کاملاً صورت گرفت.»^(۷)

صفحه هفتم اسناد، از کارهای شومی پرده بر می‌دارد که انگلیس برای انحصارطلبی نفتی در ایران انجام داده است. انگلیسیها در پی آگاهی از واگذاری امتیازی مشابه امتیاز داری به یک مهندس روس به نام برتچف* مأموریت بر هم ریختن اوضاع ایران را در دستور کار خود قرار دادند و به سرگرد هربرت یانگ** و ستوان توماس لاورنس*** دستور دادند در اصفهان شورش کنند: (۸)

«این دو افسر خود را در ظاهر مسلمان وانمود کرده، دسته پرچم سبز را تشکیل دادند که مدت مدیدی کوجه‌ها و میدانهای شهرهای ایران را آلوده به خون نموده، یک اسلوب ترور واقعی دایر نمودند. دوره سوء قصد به کنسولخانه‌های بیگانه همچنین حمله با دینامیت به قصرهای رجال دربار و حمله شدید سواره نظام به شهرها در همان زمان بود. این دسته راهزنان که سرتاسر ایران را قتل و غارت نمودند به منظور ربودن یک سند، ملتی را تحت فشار و زجر قرار دادند.»^(۹)

صفحه هشتم در ادامه مطالب فوق به چگونگی ناچاری کنسول روسیه برای تسلیم امتیاز نفت اشاره می‌کند. سند توضیح می‌دهد که چگونه چهارغلام (از طرف انگلیسیها) برای هتک حرمت به همسر کنسول روسیه حمله می‌کنند و کنسول ناچار می‌شود سند را تسلیم کند.^(۱۰) صفحه‌های نهم و دهم به پیامدهای تثبیت نفوذ انگلیس در ایران می‌پردازد:

«... بریتانیای کبیر نفوذ خود را در ایران تثبیت نمود. پرچم سرمایه‌داری انگلیس در تهران قرار گرفته و بنگاههای مقتدر صنعتی کلیه ثروت کشور را به خود انحصار دادند. تاریخ جدید ایران عبارت است از یک سلسله انقلاباتی که قرن‌ها در نتیجه نارضایتی توده از سیاست خفه‌کننده

* Bretchoff

** Herbert Young

*** Thomas Lawrence

انگلیس ایجاد شده است.»^(۱۱)

سه صفحه آخر مقاله نفت ایرانی به بررسی نقش جدید ایران در روابط بین‌الملل با تکیه بر نفت می‌پردازد، به طوری که در صفحه یازده، پیمان سعدآباد را کوشش انگلیس برای حفظ دو کشور نفت‌خیز ایران و عراق از خطر تسلط روسیه معرفی می‌کند.^(۱۲)

همچنین صفحه دوازدهم این اسناد از کوشش انگلیس برای حمله ترکیه به ایران پرده برمی‌دارد:

«نقشه انگلیس دایر به هجوم ترکیه به ایران به منظور حمله به چاههای نفت روسیه در قفقاز چشم ایران را باز نمود...»^(۱۳)

صفحه سیزدهم اسناد، راه نجات ایران را این چنین معرفی می‌کند:

«ملت ایران در آتیه نزدیکی پس از اضمحلال دشمن جانی‌اش انگلستان می‌تواند گامهای بزرگی در شاهراه ترقی و تعالی بگذارد و خود را از قید تسلط و حکم‌فرمایی انگلیس آزاد نماید...»^(۱۴)

البته مطلب یادشده، برآمده از نوعی احساس و عاطفه مثبت نویسنده نسبت به ترتیبات جدید ایران است. نویسنده پیش از بیان این مطلب به اهمیت قراردادهای دوجانبه روسیه با کشورهای عضو پیمان سعدآباد و از جمله ایران اشاره و این امر را خنثی‌کننده پیمان سعدآباد معرفی می‌کند که کمربند امنیتی را به دور روسیه می‌کشید، حال آنکه بر هیچ یک از آگاهان سیاسی پوشیده نیست که هیچ‌گاه پیمانهای دوجانبه اهمیت پیمانهای شبکه‌ای و دسته‌جمعی را نداشته و نخواهد داشت و افزون بر مهارت دیپلماسی انگلیس برای جلوگیری از خروج ایران از مدار آن کشور، ایران بیشتر به غرب تمایل سیاسی - تاریخی داشته است تا به شرق (منظور روسیه است).

سند شماره (۳) نیز در سه صفحه، شامل متن زبان اصلی مقاله مزبور است.^(۱۵)

سند شماره (۱)

نشان شیر خورشید
سفارت شاهنشاهی ایران - رم

اداره.....

نمره: ۱۱۲۵

تاریخ: ۲۵ مهر ۱۳۱۹

ضمیمه دارد.

وزارت امور خارجه

دو نسخه ترجمه شرح مندرج در روزنامه La corriere in napoli مورخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۰ زیر عنوان «نفت ایرانی» به پیوست تقدیم می شود.

(امضاء) وزیرمختار

[حاشیه سند:] بدو ترجمه شود و بعد به دفتر مخصوص [شاهنشاهی] و نخست وزیر

رونوشت فرستاده خواهد شد. ۱۴ آبان علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی
- آقای دکتر احتشام ۱۳۱۹/۸/۱۵

- در ۱۹/۹/۲ به اداره سوم سیاسی رسید.

- با ترجمه فارسی پیوست به اداره سوم سیاسی فرستاده شود. ۱۳۱۹/۸/۲۹

نفت ایران

تفسیر منطقی تاریخ تسلط سیاسی و بازرگانی بریتانیای کبیر بر کشور پهناور ایران (ایران قدیم خشایارشا و Tochtamise) که گاهی به تزویر و زمانی به طور آشکار صورت گرفته در این دو کلمه یافت می‌شود: جنگ نفت.

ایران با همسایه‌اش عراق پس از ممالک متحده آمریکا - روسیه - ونزوئلا مهم‌ترین تولیدکننده نفت در دنیا بوده و تقریباً یک سوم ذخیره نفت جهان را تشکیل می‌دهد. برحسب تازه‌ترین آمار و به موجب مشهودات و تجربیاتی که تاکنون از استخراج کان‌ها به عمل آمده (که نماینده یک ششم کلیه منابع زرخیز نفت ایران است) کشور ایران دارای ۳۲۰ میلیون تن نفت می‌باشد.

در سال ۱۹۳۵ محصول سالیانه ۷ میلیون تن بوده و در سل ۱۹۳۸ از ده میلیون نیز تجاوز کرده است. بنابراین آمارها کاملاً روشن است که انگلستان کوشش دارد بر زندگی سیاسی عراق تسلط یافته و دخالت روسیه را در مسئله ایران حذف نماید.

منظور عمده اصول تبلیغات لندن از قبیل؛ تمدن انگلیس - مبارزه برای آزادی - حس عدالت که از جانب خدا به زمامداران سرنوشت بریتانیای کبیر اعطا شده - پوشاندن یگانه سیاست حقیقی است که در ایران به کار برده می‌شود: مبارزه برای امتیاز نفت، طلای سیاه که برای صنایع و کشتیهای زره‌پوش اعلیحضرت پادشاهی انگلستان بی‌نهایت مورد لزوم می‌باشد. یک مؤسسه وسیع اقتصادی مقتدر که آلت مطلق سیاست انگلیس است:

«شرکت نفت انگلیس و ایران» که منحصراً محصولات نفت کشور را کنترل می‌نماید در ایران تسلط یافته است. این شرکت با قوانین و روئسا [روسا] و آئین‌نامه مخصوص به خود دولتی را در دولت تشکیل می‌دهد. کشوری است که شهر آبادان در کنار خلیج فارس پایتخت آن می‌باشد و آبادان که بزرگ‌ترین پالایشگاه‌های نفت در آنجا است نزدیک راه آهن معروف سراسری ایران که با خط آهن بغداد و منچوری مرکز حیاتی اقتصاد جهان را تشکیل می‌دهد می‌باشد.

قدرت شرکت نفت ایران و انگلیس از سال ۱۹۰۱ آغاز گردید. در آن زمان کشور پادشاهی ایران که از طرف همسایه متجاوزش (روسیه) حمایت می‌شد تحت سلطنت شاه ناصرالدین که

مردی عیاش و دوستدار صنایع - زنان زیبا- و ضیافت بود با آرامش کامل روبه ترقی می‌رفت. ناصرالدین به اشخاصی که موفق به جلب ملاحظت‌ش می‌شدند با نهایت سخاوت مختص مشرفی‌ها پاداش می‌داد. خارجی‌هایی که حضورش پذیرفته می‌شدند هدایا و هرگونه درجات و مناصب دریافت نموده با بهترین خاطرات بازگشت می‌نمودند. یک روز یک مهندس کانادایی M.W.K.Darcy حق حفاری و کاوش را در زمین ایران تحصیل نمود. سندی که از طرف شاه به او داده شده مطابق متن به شرح زیر است:

«به نام خداوند متعال و نظر به دوستی که بین دولت مقتدر ایران و کانادا وجود دارد امر دارم که به m.w.k. darcy حق حفر و کاوش در سرزمین ایران به نفع خود او و چه به نفع اقوام و دوستانش به مدت پنجاه سال داده شود.»

آقای داری که ثروتمند و عالم به علم آثار مصر قدیم بوده ارزش بی‌حد سند را درک ننموده و از آن تاریخ سند نامبرده موجب بدبختی فوق‌العاده وی گردید. یک دسته مهندسين انگلیسی که در جنوب ایران به منظور تحقیق در نوع زمین عملیات می‌نمودند از این امتیاز پریشان مطلع شده مراتب را به اداره استخبارات سیاسی انگلیس Intelligence Service آگهی داده توصیه نمودند سند مورد بحث را برای عظمت شکوه و جلال بریتانیای کبیر به دست آورده تصمیم گرفته شد که آقای داری بدون این سند قیمتی به کشور اصلی خود بازگشت نماید.

سه مرتبه در کشتی به طور اسرارآمیزی به اطاق او دستبرد زدند. اما موفق به ربودن سند نشدند. به کرات وجوه هنگفتی به کانادایی پیشنهاد شد و همه را رد نمود بالاخره یک کشیش انگلیسی موسوم به اسپرینگ فیلد با داری وارد صحبتی مذهبی از قبیل تمدن مذهب عیسوی، بت‌پرستی ایرانی شده او را به فکر انداخت که برای تبلیغات و انتشار مذهب عیسوی بین ملت‌های گمراه از امتیاز معروف استفاده نماید. داری تحت تأثیر کشیشی (که در واقع عامل اداره استخبارات سیاسی انگلیس بود) واقع شد سند را به منظور پیشرفت امور مذهبی به او واگذار نمود و حتم داشت که مرتکب عمل خیری شده است.

انگلستان که به این ترتیب وارث داری شد برای شناساندن حقوق خود تمام وسائل را که در اختیار داشت به کار برده توفیق حاصل نمود. شرکت نفت انگلیس و ایران در سال ۱۹۱۹ به

طور قطع تشکیل و پادشاه قراردادی امضاء نمود که شامل ۱۶ درصد از منافع بود و دولت انگلیس کنترل کامل عملیات و اکثریت سهام شرکت را برای خود تأمین نمود. کلاه برداری مهم به خوبی و کاملاً صورت گرفت.

اما چندی پیش برای بریتانیا کبیر محقق شده بود که شاه فراموش کار امتیازی همانند امتیاز داری به مهندس روس برتچف اعطا نموده است. به این طرز یکی از قبیح‌ترین اقدامات جسورانه تاریخ تشکیل گردید. سرگرد انگلیسی هربرت یانگ و ستوان توماس لاورنس شورش معروف اصفهان را ترتیب دادند. این دو افسر خود را در ظاهر مسلمان وانمود کرده (پرچم سبز) را تشکیل دادند که مدت مدیدی کوجه‌ها و میدانهای شهرهای ایران را آلوده به خون نموده یک اسلوب ترور واقعی دایر نمودند. دوره سوء قصد به کنسولخانه‌های بیگانه همچنین حمله با دینامیت به قصرهای رجال دربار و حمله شدید سوار نظام به شهرها در همان زمان بود. این دسته راهزنان که سرتاسر ایران را قتل و غارت نمودند. به منظور ریودن یک سند، ملتی را تحت فشار و زجر قرار دادند. این اعمال پست نیز سبب توقیف کنسول روس که امتیاز معروف را در دست داشت شده و پس از تهدید و توهین بسیار امتیاز نامبرده را از او گرفتند. موقعی که چهار غلام به زنش حمله رو شدند می‌خواستند مرتکب عمل قبیحی شوند کنسول ناچار شد سند را تسلیم نماید. لاورنس نیز برای جلب محبت شاه نسبت به انگلستان امیر Mabronki و ۲۵۰۰۰ نفرات او را به شورش تحریک و تشجیع نمود سپس خود او که آنها را مسلح نموده بود مراتب را به شاه خبر داد. به این ترتیب حسن نیت و سپاس شاه را جلب و به مقصود خود رسید.

امیر یاغی را دستگیر و سرش را بریدند. با خونریزی زیاد شورش به پایان رسید و بریتانیای کبیر نفوذ خود را در ایران تثبیت نمود. پرچم سرمایه‌داری انگلیس در طهران قرار گرفته و بنگاههای مقتدر صنعتی کلیه ثروت کشور را به خود انحصار دادند، تاریخ جدید ایران عبارت است از یک سلسله انقلاباتی که قرن‌ها نارضایتی توده از سیاست خفه‌کننده انگلیس ایجاد شده است. در طی جنگ عالم‌گیر کشور ایران در اثر جنگهای داخلی ویران شده و لاینقطع روسها، آلمانها، انگلیسیها در این کشور آمد و رفت می‌نمودند.

قطب یا صلح ۱۹۱۸ ایران از فتوهای [فتوحاتی] که انگلیس در نظر داشت نجات یافت.

دولت شوروی به واسطه پیمان ۱۹۲۱ تعهد نمود آن را از خطر انگلستان دفاع نموده و به علاوه دریانوردی آزاد آن را در بحر خزر تأمین کند.

ایران به خوبی فهمید که به واسطه پیمان سعدآباد (منعقده بین ایران، افغانستان، ترکیه و عراق) انگلستان تصمیم گرفته بود روسیه جنوبی را با یک زنجیر مقاومتی احاطه نماید تا دو دولت مرکزی دارنده نفت را نگاهداری و به این ترتیب در صورت لزوم تشکیل یک وسیله دفاعی عظیمی را بدهد. لیکن مناسبات روس و افغان، روس و ایران، روس و ترکیه این سیستم را متزلزل ساخت. قرارداد بازرگانی ایران و شوروی نیز که در ۲۵ مارس ۱۹۴۰ در طهران منعقد گردید انحطاط پی در پی نفوذ انگلیس را مدلل کی نماید. به علاوه سیاست انگلیس در معرض عدم موفقیت مهمی واقع شده نقشه انگلیس دایره به هجوم ترکیه به ایران به منظور حمله به چاههای نفت روس در قفقاز چشم ایرانیان را باز نمود و امروز ایران کوشش می کند از اختلافات خطرناک با همسایگان خود (شورویها) که دارای ۲۰۰۰ کیلومتر مرز مشترک می باشند اجتناب نماید.

ایران در طی تاریخ هزار ساله خود لحظه های سختی را گذرانده است.

ملت ایران در آتیه نزدیکی پس از اضمحلال دشمن جانشین انگلستان می تواند گامهای بزرگی در شاهراه ترقی و تعالی بگذارد و خود را از قید تسلط و حکمفرمایی انگلیس آزاد نماید. روز انتقام ایران دور نیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



خاتره شانشاهی‌ایین - هم
وزارت اعراف و هم

۱۹۱۱/۲۵

اداره
تاریخ
شماره

روزنامه روحش شرح در روزنامه *La Carriere in Republique*

موضوع ۱۱ آبان ۱۹۴۰ در مجله «فنس ایران» به صورت تیرگ

۱۹۱۱/۲۵



مورد و تاریخ ...
...
...

۱۹۱۹/۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

رتال جامع علوم انسانی

۱۹۱۹/۴

۱۹۱۹/۴

مدیریت ...
...
...

۲۵۱۱۷

۱۹۱۱/۴

۱۹۱۹/۱۵

در ۱۶ آذر ۱۳۲۰ ...

۱۹۱۹/۱۵

ترجم: محمد رحمتی

وزارت امور خارجه

ترجمه: محمد رحمتی
M. H. Rahmani

موضوع یا کنویس
پیوست
مسئول یا کنویس

شماره بایگ
شماره پرونده

اداره

۱۲

مسئول یا کنویس

تاریخ یا کنویس

تاریخ رسیدن

عنوان یا کنویس

نفت ایران

تاریخ منطقه این نسلط سیک و بازرگانان اروپایی که بر کشور خاور ایران (ایران قدیم خشیارنو و Tochtamische) نگاه داشته اند و در زمان بطور انحصار صورت گرفته در این هر خلیه یافت می شود: نفت

ایران با سابقه اش عراق پیرا زمان گذشته اروپاییان رویید. و در زمان قدیم ترین تولید کننده نفت در دنیا بود و نیز با بدست گرفتن نفت بهین را تسخیر کرد. و حسب تازه ترین آمار در حدود ۱۰۰ میلیون تن نفت در سال ۱۹۳۸ در آن کشور در استخراج کان کاهنر آسه (در نایسه یک ششم تولید تمام نفت ایران است) کشور ایران دارای ۳۲۵ میلیون تن نفت سر باشته.

در سال ۱۹۳۵ معادل مایه نه ۷ میلیون تن به دور سال ۱۹۳۸ از دیدن این کشور کرده است. بنابراین آمار کاهنر آسه است که اعلان کشور دارد بر آنکه سیک عراق نسلط یافته و در حالت رسیدن را در سلسله ایران ضدت باید.

وزارت امور خارجه

موضوع با کنویس
پیوست
مستول با کنویس

شماره بایگي
شماره
پرونده

اداره

۱۳

مستول با کنویس

تاریخ با کنویس

تاریخ تحریر

عنوان با کنویس

مشاوره عمده امور تبلیغات لندن از قریب تمدن انگلیس است مبارزه برای آبادی
 "من بعد از آنکه از این بن خدا بزرگمداران سرزشت بر طبق این گزارش است -
 بر شنیدن یگانگی است که در ایران بکار برده شود؛
 مبارزه برای امتیاز نفت و طلای سیاه که در این ضمیمه در شرح مختصر
 از روی پیشرفت است و این در انگلستان با نهایت سردرگمی است
 یک نمونه در مع اقتصاد معتدله است مطلق است انگلیس است؛
 "شرکت نفت انگلیس و ایران" که نمونه نمونه است نفت کشور را
 کشور را از این قبیل است که در این کشور است این شرکت با قوانین
 و در تمام این نامه توضیح در حق را در دولت نظیر به هر
 کشور است که در آن با این شرکت آن در کشور آن که در آن
 با اقتصاد نفت در آن است که در آن کشور است برای ایران
 که با خطای آن بنیاد و بنیاد در زمینه اقتصاد به آن اعتبار به هر کشور

وزارت امور خارجه

شماره بایگانی:
 شماره:
 پرونده:
 موضوع باکتوس:
 پیوست:
 مسئول باکتوس:
 اداره:

تاریخ تحریر: تاریخ باکتوس: مسئول باکتوس: ۱۲

عنوان باکتوس

تدریس شرکت نفت ایران و انگلیس از سال ۱۹۰۱ آغاز گردید.
 در آن زمان شرکتها در ایران که از طرف بریتانیا بودند شرکتها بودند
 بهیت پیشه شرکت سلطنت شده نامها در آن که در آن شرکتها بودند
 روح سردار ضایع - زمان نوبیا - حیاضت بعد از آن رفت.
 نام الدین باشا صحر که صوفی کلب مددگفتند میشدند با نهایت کمالات
 فقیر مشرقی بود اید انگریزها در. خارجی دانند گفتند در آن وقت میشدند
 بدایه هم در آن وقت در صفا صید یافت نمید با بهترین حالات
 بنسب با زنگت تر گفتند. یک روز یک کلمه در کلمه خوان
 M. W. K. d'Arcy حق معارف و کادش را در زمین ایران تصرف
 سند که از طرف شاه به او داده شد مطابق متن شرح زیر است:
 لا ینهم خداوند متعالی و نظیر هر کس که بین حلال حق را در ایران کانا داد

darcy

وزارت امور خارجه

شماره بایگانی

موضوع باکتوس

شماره

پیوست

اداره

پرونده

مشول باکتوس

۱۳

مشول باکتوس

تاریخ باکتوس

تاریخ تحریر

عنوان باکتوس

وجود دارد اردام که به *W. K. d. d.* ملحق می‌شود و کار
در زمین ایران بنوع بنوع فراد و به بنوع اقوام و در
به است به بنوع (دارد شد)»

آن *d. d.* که نزدیک به تمام معانی آن در هر قدم بعد از آن
به حد سند را در آن تهیه و از آن تاریخ شده به هر چه
به بنوع فراد و در هر چه *d. d.* یک دسته نه در آن انگلیس که در

جنبه ایران بنوع انگلیس در فرج زمین عمدتاً سرحد از این

امتیاز بر هر چه مطلع شده به است را با اداره اینک به است

انگلیس (Ministry of Foreign Affairs) این در آن در هر چه

سند بر هر چه را به بنوع بر طایفه بر هر چه است آورد

تعمیر گرفته شد که آن *d. d.* بدون این سند قوی به کرد

وزارت امور خارجه

شماره بایگانی
 شماره
 برومند
 اداره
 مسئول با کنوس
 موضوع با کنوس
 پیوست
 مسئول با کنوس

تاریخ تحریر تاریخ با کنوس مسئول با کنوس ۱۲

عنوان با کنوس

امع خود بازگشت نماید . سکه مرتبه در شش بطور ابرار آنرا
 با طاق او دست بردارند . آقا سرتیپ به ربوان نرسیده اند
 بکرات در وجه استغفار به کانا داده پیشنهاد شده در هر دو طرف
 به مدینه بگشتن انگلیس بود . Springfield
 با مدینه دارد صحبت کار نہیں از بقره تمدن مذنب عبود
 بت پرستی ایراد شده اورا نظر انمافت که بران تبلیغات
 در افتاد مذنب عبود بین ملت کارگزار از امتیاز نمود
 استغفار نماید . مدینه است تا بگشتن (که در واقع
 عامر امان استیارات سبک انگلیس بود) واقع شده سند
 بملکه بگشتن اورا نہیں با دوگانده نمود و عمده است
 که در تکیب عمر فخر شده است .

وزارت امور خارجه

موضوع با کنویس
پیوست
مسئول با کنویس

شماره بایگانی
شماره
پرونده

تاریخ تحریر
تاریخ با کنویس
مسئول با کنویس

عنوان با کنویس

انگلیس که باین ترتیب وزارت امور خارجه شد برابر
شناسایی حق حقوق خرد و علم و دانش را که در اختیار دولت
بکار برده و توفیق حاصل نمود. شرکت نفت انگلیس در
ایران در سال ۱۹۱۶ بطور قطع تسلیم و پیشه
قرار داد و این اتفاق که در زمان در عهد از ضایع بود دولت
انگلیس نیز در کار عمده است و در ترتیب به هم حرکت را
بر این تأمین نمود. کلاه بردار از هم نبود
و کامله صورت گرفت علوم انسانی
آنها نیز بیشتر بران بر طیفی که بر مکتب شده بود که
خارج از کار امتیاز دارند امتیاز d'ava به

وزارت امور خارجه

شماره بایگانی

موضوع بایگنویس

شماره

پیوست

پرونده

اجاره

مشمول بایگنویس

تاریخ تحریر

تاریخ بایگنویس

۱۲

مشمول بایگنویس

عنوان بایگنویس

مهندس اوسکی Bretschoff اعطای مجوز
 باین طرح بایگ از قدیمی ترین اقدامات حکومت ایران در تاریخ
 تشکیل گردید . سرگرد انگلیسی Herbert Young
 و سردار Thomas Lawrence نیز از طرف
 مسئولان را ترتیب دادند . این دو نفر خود را در ظاهر
 مسلمان و اخراج کرده دست راستی هم بسزرا ، تشکیل دادند
 که دست به دزدی زدند و در میان کارهای خود در ایران را
 آورده نمودن نموده یک استوب تر (Terrou)
 واقف را بر نمودند . هرگز که در قصد کشتن این کار
 بیگانه نبودند .

وزارت امور خارجه

شماره بایگانی

موضوع بایگنویس

شماره

پیوست

اداره

پرونده

مشول بایگنویس

تاریخ تحریر

تاریخ بایگنویس

مشول بایگنویس

۱۴

عنوان بایگنویس

بعضی از رجال دربار محمدشاه به سواد نظام بیشترند
 در همان زمان جمعاً این دسته را این زمان که
 سرتا سر ایران قتل و غارت نمودند بخاطر در بودن
 یکسند می دانستند و در روزی قرار دادند
 این اعیان بیت زینت و قیف کنول بود که
 که امتیاز نمودن را در دست داشتند و در آن
 تهدید و تهدیبی بسیار امتیاز نادره را از او گرفته
~~مقتول~~ موقی که چهار عدهم بر نشتر عده در سه بند استند
 در تکب عمر قیچی بودند کنول ناچار شده سند را قییم نمود
 Lawrence نیز بر این حسب است نه نه است باطلت

وزارت امور خارجه

شماره بایگانی موضوع پاکتوس
 شماره پیوست
 پرونده مسئول پاکتوس
 اداره

تاریخ تحریر تاریخ پاکتوس مسئول پاکتوس ۱۴

عنوان پاکتوس
 ایر Nabronki و ۲۵۰۰۰ نوات اودا
 بعد از ترس و تشییع غم سیر خوانده آنها را مسیح غم
 بعد از آن شب را شب خرداد. با این ترتیب حسن نیست
 و بسیار شده. احباب و معقد و فرسید
 امیر باغی را در سنگردر سر را بریدند. با فخرین
 زهد شد از سر بیاید و بریدند
 نقد و خرداد در ایران ثبت نمود. پریم برید
 انگلیس در ایران راه گرفته و بنگاه با رسته
 صنعتی مکه زوت که در آنجا انحصار دادند
 تاریخ صبه ایران عبارت است از یک

وزارت امور خارجه

شماره بایگانی:
 شماره:
 پرونده:
 موضوع یا کنویس:
 بیوست:
 مشول یا کنویس:
 اداره:

تاریخ تحریر: تاریخ یا کنویس: مشول یا کنویس: ۱۲

عنوان یا کنویس

سند انقلابی که در آنها در نتیجه تارخانی توده
 از سیاست خفته کننده انگلیس ایران است
 در طی جنگ عالمگیر که در ایران در اثر جنگ در ارض
 و ایران شده بود ^{و در نقطه} آلمان - انگلیس در آن کشور
 آمد در وقت مرگ خود
 فقط با صلح ۱۹۱۸ ایران از غرق شدن ^{نجات}
 نجات یافت ^{در نتیجه} انگلیس ^{در نتیجه} نجات یافت ^{در نتیجه} نجات یافت
 بیان ۴۳ ۱۹۱۹ و ۱۹۲۱ تمهیدات از خواستگان
 دفاع ^{نیمه} و معبد در یاد خود آزاد آزاد بود ^{نیمه} نجات

شماره ۲

وزارت امور خارجه

موضوع باکندوس

شماره بیگانی

بیوست

شماره

اداره

مسئول باکندوس

پرونده

تاریخ تحریر

تاریخ باکندوس

مسئول باکندوس

۱۳۰۰

عنوان باکندوس

از سال ۱۹۲۵ هفتصد و در ایران است که برای شاه جدید
 رضا پهلوی در مدت قدری از زمانه قومی را هفتاد و نه
 بیست و نه سال است. سیاست شاه جدید به نظر
 بر علیه انگلیس است. ^{ایران به دست انگلیس است} ^{ایران به دست انگلیس است}
 بین ایران - افغانستان - ترکیه و عراق ^{ایران به دست انگلیس است} ^{ایران به دست انگلیس است}
 نیز خرد است و من این طرفه ^{ایران به دست انگلیس است} ^{ایران به دست انگلیس است}
 وقت را نگاه دارم و این ترس در مورد ایران
 نظریه ^{ایران به دست انگلیس است} ^{ایران به دست انگلیس است} ^{ایران به دست انگلیس است}
 روس و افغان - روس و ایران - روس و ترکیه این
 سیستم را ترس از زل رسخت. قرارداد بازرگانان

شماره بایگانی وزارت امور خارجه

شماره موضوع یا کنویس

برنده اداره

پوست مسئول یا کنویس

تاریخ تحریر تاریخ یا کنویس

مسئول یا کنویس ۱۳

عنوان یا کنویس

ایران در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۲۹۳ در تهران منعقد شد
 و خطاطی در پی نفوذ انگلیس را مد نظر می‌باشد. سید در
 سیاست انگلیس در موضوع عدم موفقیت هم واقع شد
 نقشه انگلیس و اثر بی‌جهت ترکیه و ایران نیز مد نظر بود که
 نسبت در ارتقاء چشم ایران را با زنجیره و
 اردو ایران که شریکند از اقتصاد - خطرات
 با هم گمان خرابی بود (که بهشت) دارا ۲۰۰ کپی در دسترس
 رسیده است این نامه
 ایران در طی تاریخ هزار ساله خود مدتها رستم را نداشته است

نوع ۲

شماره پانگانی

وزارت امور خارجه

موضوع یا کنویس

شماره

تاریخ

مکان

برنده

مسئول یا کنویس

۱۳

مسئول یا کنویس

تاریخ یا کنویس

تاریخ انجمن

عنوان یا کنویس

ملت ایران در آثر تبعید میرزا احمد دل‌نسن
جان شرف انقلاصن متوانه کافر زین بار در تنه
آرزو دنیا بگذازد و در راه آزادی قسط و کفو



انگلیس آزار نده

روزنامه تنقاص ایران کرم رسیده
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

IL COURRIERE DE NAPOLI - du 21 Septembre 1940, publie :

LE PETROLE DE L'IRAN

L'histoire de l'envahissement politique et commercial, tantôt sournois, tantôt clairement démontré, exercé par la Grande Bretagne sur l'immense pays iranien (l'ancienne Perse de Xerxès et de Tachémise) trouve sa plus logique explication en trois paroles; guerre du Pétrole.

Après les Etats Unis d'Amérique, la Russie et le Venezuela, l'Iran, avec son voisin l'Irak, est le plus fort producteur de pétrole dans le monde, représentant environ un tiers des réserves mondiales.

En nous en tenant aux statistiques les plus récentes, et en nous limitant aux gisements dont on a pu jusqu'ici procéder à la constatation (qui représentent à peine le sixième du très riche territoire de l'Iran) ce Pays aurait une disponibilité de 320 millions de Tonnes de pétrole dans son sous-sol.

En 1935, la production annuelle était de 7 millions de Tonnes; en 1938, elle dépassait déjà les dix millions. Sur base de ces statistiques il est désormais bien clair que la Grande Bretagne s'efforce de dominer la vie politique de l'Irak, et d'éliminer l'intervention russe dans la question de l'Iran.

Tous les principes de la propagande de Londres : la civilisation britannique, la lutte pour la liberté, le sentiment de justice confiée par Dieu aux dirigeants suprêmes de la destinée de la Grande Bretagne, ne servent qu'à camoufler l'unique politique réelle déployée par elle dans l'Iran : la lutte pour le monopole du pétrole, de l'or noir si nécessaire aux industries et aux cuirasses de Sa Majesté britannique.

instrument
Un vaste et puissant organisme économique, absolu du jeu anglais : l'Anglo Iranian Oil Company, qui domine en Iran, en contrôle l'exclusivité de la production. C'est un véritable état dans l'Etat, avec ses lois, ses chefs et son Statut. C'est un royaume qui possède sa propre capitale dans la ville de Abadan, sur le Golfe Persique, où résident les plus grandes raffineries de pétrole, et situés à brève distance de la fameuse ligne de chemin de fer Transiranien, laquelle, avec celles de Bagdad et de la Mandchourie, constitue le noyau principal des ganglions vitaux de l'économie mondiale

Les origines de la puissance de l'Anglo-Iranian Oil Co., remontent à l'an 1901. En ce temps-là le Royaume de Perse, protégé par son écrasante voisine, la Russie, prospérait dans un calme parfait sous le sceptre du Chah Nasir Eddin, type d'épicurien aimant les arts, les belles femmes et la bonne chère. Nasir Eddin savait récompenser avec une magnificence typiquement orientale ceux qui avaient gagné ses bonnes grâces.

Les étrangers admis en sa présence recevaient des cadeaux et des honneurs de toute sorte, et repartaient avec le meilleur souvenir du Souverain. Un jour un ingénieur canadien, E.W.K.d'Argy, obtint le droit de pouvoir opérer des fouilles dans le sous-sol persan. Le document qui lui a été délivré par le Schah disait

textuellement : " Au nom de Dieu très glorieux et en tenant compte de l'amitié existant entre les puissants gouvernements de la Perse et du Canada, j'ai donné l'ordre d'accorder à M.W.K.d'Aroy le droit de faire des fouilles, à son gré, et durant cinquante ans, dans le sous-sol de la Perse, mon empire, tant pour son compte que pour le compte de ses parents et amis." Monsieur d'Aroy, riche et égyptologue, n'eut pas la perception exacte de l'immense valeur du document qui représentera pour lui, à partir de ce moment, une source d'adversités incroyables. Un groupe d'ingénieurs anglais qui faisait des sondages dans le midi de la Perse, ayant été mis au courant de cette riche concession, on s'empressa d'en informer l'"Intelligence Service", en donnant le bon conseil de faire en sorte de s'emparer du document en question, pour la plus grande gloire de la Grande Bretagne. Et l'on décida de laisser M.W.K.d'Aroy retourner dans son pays natal, sans ce précieux document. La cabine du bateau dans laquelle il était logé a été dévalisée trois fois, mais en vain, par de mystérieux voleurs. A plusieurs reprises des sommes fabuleuses furent offertes au Canadien, qui les refusa. Enfin, un pasteur anglican, le Reverend Springfield, parla à d'Aroy de la civilisation chrétienne, de l'idolâtrie persane et de l'opportunité de profiter de la fameuse concession pour faire de la propagande chrétienne parmi les peuples non encore éclairés par la parole de Dieu. Le bon d'Aroy, catéchisé si habilement par le pasteur (qui était en réalité un Agent de l'"Intelligence Service") fut si ému qu'il lui céda le document aux fins de cette oeuvre de charité, convaincu d'avoir fait une bonne action. Devenue la légataire de d'Aroy, la Grande Bretagne employa tous les moyens dont elle disposait pour obtenir la reconnaissance de ses droits. Et elle l'obtint. En 1919 l'Anglo Iranian Oil Company était définitivement constituée et elle signait avec le Schah un accord qui comportait un revenu de 16 % sur les bénéfices de la Compagnie, dont le Gouvernement anglais s'assurait le contrôle absolu de l'activité et la grande majorité des actions. La grande escroquerie avait été admirablement bien faite.

Mais quelque temps auparavant, la Grande Bretagne avait constaté que l'oublieux Schah avait confié à l'Ingénieur russe Bretechoff une concession identique à celle accordée en son temps à d'Aroy. On organisa de la sorte l'un des plus blâmables coups de mains de l'histoire. Le major anglais Herbert Young et le lieutenant Thomas Lawrence organisèrent la célèbre révolte d'Ispahan. En faisant semblant d'être musulmans, ils organisèrent la bande ~~XXXXXXXXXXXX~~ "de l'étendard vert", ensanglantant pendant longtemps les rues et les places des villes persanes, et en instituant un véritable régime de terreur. Ce fut là l'époque des attentats aux Consulate étrangers; des charges de dynamite sous les palais des dignitaires de la Cour; des charges furieuses de cavalerie dans les villes. La Perse entière fut mise à feu et à sang par cette bande de brigands, qui opprimeurent un peuple dans le but de voler un document. Ces faits ignobles provoquèrent aussi la capture du consul de Russie possesseur de la fameuse concession, qui lui fut extorquée après une suite de menaces, d'humiliations et de mauvais traitements. Le Consul céda seulement quand il vit que sa femme était sur le point de devenir la victime de quatre esclaves qui s'en étaient emparés et voulaient en abuser en sa présence. De son

côtés, Lawrence, pour s'acquérir les sympathies du Schah envers l'Angleterre, envenima davantage la révolte de l'Emir Nabronki ami et de ses 25000 hommes. A un certain moment, l'anglais se rendit chez le Chah et trahit ceux qu'il avait armés lui-même, en gagnant ainsi la bienveillance et la gratitude du Souverain. Le but était atteint. Le chef rebelle fut capturé et décapité, la révolte noyée dans le sang, et la Grande Bretagne étendit son influence sur la Perse. Le drapeau capitaliste anglais s'installa à Téhéran et de puissants organismes industriels s'accaparèrent de toutes les richesses du pays.

Toute l'histoire moderne de l'Iran est une longue suite de révolutions, créées par le mécontentement des masses humiliées pendant des siècles par l'absolutisme impitoyable et égoïste, de la politique anglaise de suffocation. Durant la guerre mondiale le pays fut bouleversé par les atroces guerres civiles et il fut parcouru sans cesse par les Russes, les Allemands et les Anglais.

Seulement avec la paix de 1918 la Perse fut sauvée des ultérieures conquêtes anglaises. Le Gouvernement soviétique s'engagea à la protéger de l'Angleterre par les traités de 1919 et de 1921 en lui assurant en outre la libre navigation sur la Mer Caspienne. Depuis 1925 le mouvement d'euro-persianisation persane a accompli de vastes progrès sous l'égide du nouveau Chah Reza Pahlévi, qui a dirigé son peuple vers de nouvelles formes de vie. La politique du nouveau Souverain est nettement antibritannique. L'Iran a compris que l'Angleterre, par le pacte de Saadabad (signé entre Iran, Afghanistan, Irak et Turquie) voulait entourer la Russie du Sud avec une chaîne de résistance qui, en maintenant sûrement les deux Etats du Centre, riches en pétrole, aurait constitué un rempart colossal, au besoin. Mais les rapports russo-afghans, russo-iraniens et russo-turcs ont laissé entrevoir d'amples crevasses dans le système. L'accord commercial irano-soviétique du 25 mars 1940 à Téhéran prouve, une fois encore, la décadence continue du prestige anglais. La politique britannique a, en outre, subi un très grave échec. Le plan anglais de lancer la Turquie contre l'Iran pour attaquer les puits de pétrole russes du Caucase, a fait ouvrir les yeux aux persans qui essayent aujourd'hui d'éviter des contrastes dangereux avec les Soviets, leurs voisins, et avec lesquels ils ont en commun 2000 kilomètres de frontière.

L'Iran a passé de très durs moments dans son histoire millénaire. Mais dans l'avenir prochain, quand il assistera à la fin de son ennemi le plus mortel, l'Angleterre, le peuple persan pourra aspirer à de plus vastes horizons de progrès social, si nécessaire au pays, et se libérera une fois pour toutes de la puissante voûte de plomb de la domination britannique.

Le jour de la revanche de l'Iran n'est pas éloigné.

GIORGIO FENIN

کتابنامه

۱. ذوقی، ابرج؛ مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران؛ ج ۳، تهران: پازنگ، ۱۳۷۵.
۲. راهنما و مشخصات معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول، ج ۲، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰.
۳. رایت، سردنيس؛ انگلیسیها در میان ایرانیان؛ برگردان: اسکندر دلد، ج ۱، تهران: نهال، ۱۳۶۴.
۴. لسانی، ابوالفضل؛ طلای سیاه یا بلای ایران؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
۵. محمود، محمود؛ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس؛ ج ۶، تهران: اقبال، ۱۳۶۷.
۶. نصر، سیدتقی؛ ایران در برخورد با استعمارگران (از آغاز قاجار تا مشروطیت)؛ ج ۱، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۳.

اسناد

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، اسناد قدیمه، سند شماره: ۱۳۱۹-۴۶-۳-۹۶ ش.
۲. همان، اسناد قدیمه، سند شماره: ۱۳۱۹-۴۶-۳-۹۷ ش.
۳. همان، اسناد قدیمه، سند شماره: ۱۳۱۹-۴۶-۳-۹۸ ش.
۴. همان، اسناد قدیمه، سند شماره: ۱۳۱۹-۴۶-۳-۹۹ ش.
۵. همان، اسناد قدیمه، سند شماره: ۱۳۱۹-۴۶-۳-۱۰۰ ش.
۶. همان، اسناد قدیمه، سند شماره: ۱۳۱۹-۴۶-۳-۱۰۱ ش.
۷. همان، اسناد قدیمه، سند شماره: ۱۳۱۹-۴۶-۳-۱۰۲ ش.
۸. همان، اسناد قدیمه، سند شماره: ۱۳۱۹-۴۶-۳-۱۰۳ ش.
۹. همان، اسناد قدیمه، سند شماره: ۱۳۱۹-۴۶-۳-۱۰۴ ش.
۱۰. همان، اسناد قدیمه، سند شماره: ۱۳۱۹-۴۶-۳-۱۰۴ ش.
۱۱. همان، اسناد قدیمه، سند شماره: ۱۳۱۹-۴۶-۳-۱۰۵ تا ۱۰۶ ش.
۱۲. همان، اسناد قدیمه، سند شماره: ۱۳۱۹-۴۶-۳-۱۰۷ ش.
۱۳. همان، اسناد قدیمه، سند شماره: ۱۳۱۹-۴۶-۳-۱۰۸ ش.

۱۴. همان، اسناد قدیمه، سند شماره: ۱۰۹-۳-۴۶-۱۳۱۹ ش.

۱۵. همان، اسناد قدیمه، سند شماره: ۱۱۲ تا ۱۱۰-۳-۴۶-۱۳۱۹ ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی